

**A look at the position of the Caucasian people in the Iranian Empire in ancient times
according to the stories of Ferdowsi's Shahnameh**

Mandana Tishehyar

Faculty member, Department of Regional Studies of Central Asia and Caucasus, ECO College,
Allameh Tabataba'i University, Tehran.

Abstract:

Myths are not only telling the cultural and historical symbols of people, but they can also express the story of long-standing ties between people of different lands. Ferdowsi's Shahnameh, which was written more than a thousand years ago, besides its high literary values, is also indicative of the historical relations between people of different regions of the world. In this research, an attempt is made to answer the question of the position of the three groups of Armenians, Alans, and Khazars, which are mentioned several times in this book, in the Iranian Empire in ancient times by examining the stories of Shahnameh.

The research method in this article is text analysis in the form of modern historicism in order to reveal political constructs from ancient historical texts. This method is based on the general narration of the story in the subtitle, dealing with the main topic of discussion and analyzing the role of each of the three ethnic groups that were mentioned, and analyzing the content of the poems about these three ethnic groups in each of the stories.

Among the various versions of Shahnameh, in this research, the corrected version of Jalal Khaleghi Mutlaq, which was compiled over more than thirty years by comparing the oldest handwritten versions of Shahnameh with each other, and according to many writers and historians, is one of the most reliable versions, has been used.

Keywords: Shahnameh, Caucasus, Iran, Armenians, Alans, Khazars

نگاهی به جایگاه مردمان قفقاز در جهانشاهی ایرانی در دوران باستان به روایت داستان های شاهنامه فردوسی

ماندانا تیشه یار

عضو هیات علمی گروه مطالعات منطقه ای

موسسه آموزش عالی بیمه اکو، دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده:

اسطوره ها نه تنها گویای نمادهای فرهنگی و تاریخی مردمان هستند، بلکه از رویکردی دیگر، می توانند داستان پیوندهای دیرینه میان مردم سرزمین های گوناگون را نیز بازگو کنند. شاهنامه فردوسی که بیش از یک هزار سال پیش سروده شده، در کنار ارزش های ادبی بالای خود، گویای روابط تاریخی میان ایرانیان با مردمان مناطق گوناگون جهان نیز هست. در این پژوهش کوشش می شود تا با بررسی داستان های این کتاب سترگ، به این پرسش پاسخ داده شود که جایگاه سه گروه ارمن ها، آلان ها و خزرها که در این کتاب چندین بار از آنها نام برده شده در جهانشاهی ایرانی در دوران باستان چه بوده است.

روش پژوهش در این نوشتار، تحلیل متن در قالب روش تاریخ گرایی نوین به منظور آشکارسازی برساخت های سیاسی از درون متون کهن تاریخی بوده است. این روش به صورت آوردن روایت کلی داستان در زیرنویس، پرداختن به موضوع اصلی بحث و نقش هر یک از گروه های قومی سه گانه که نامبرده شدند، تحلیل محتوایی سروده ها درباره رفتار و گفتار این سه قوم در هر یک از داستان ها و سپس جمع بندی آن بخش و آغاز بخش بعدی نمود یافته است.

در میان نسخ گوناگون شاهنامه، در این پژوهش از نسخه تصحیح شده جلال خالقی مطلق که طی بیش از سی سال و با تطبیق کهن ترین نسخه های دستنویس شاهنامه با یکدیگر، تدوین شده و به گفته بسیاری از اندیشمندان و ادیبان و تاریخ نگاران، از معتبرترین نسخ شاهنامه در جهان به شمار می رود، بهره گرفته شده است.

واژگان کلیدی: شاهنامه، قفقاز، ایران، ارمن ها، آلان ها، خزرها